

درس اصول علم اقتصاد (۲) کلان

فصل سوم

حسابداری درآمد ملی

تعریف حسابداری ملی

- مطالعه و اندازه گیری عناصر اساسی همه فعالیتهای اقتصادی یک کشور در طول یک زمان معین – معمولاً یک سال – حسابداری ملی نامیده میشود.
- در این مطالعه (مقادیر سالانه) فعالیتهای در سطح اقتصاد ملی در حوزه هایی مانند **تولید، مصرف و تشکیل سرمایه** محاسبه میشوند.

اهمیت حسابداری ملی

- این حسابها اطلاعات ارزشمندی را در اختیار مدیران بنگاهها و صاحبان عوامل تولید از روندهای آتی اقتصاد ملی و تقاضای محصولشان قرار میدهد.
- حسابداری ملی مهمترین ابزار تجزیه و تحلیل، برنامه ریزی و سیاستگذاری است. بدون وجود حسابداری ملی، پیش بینی دقیق متغیرهای کلان اقتصادی و بالطبع، برنامه ریزی و سیاستگذاری امکان پذیر نیست.

تاریخچه حسابداری ملی در جهان

- مطالعات نظری در زمینه حسابهای ملی پیشنهادی ای سیصد ساله دارد
- نخستین تلاش عملی در انجام محاسبات ملی توسط ویلیام پتی انگلیسی در سال ۱۶۶۵ صورت گرفت
- گریگوری کینگ درآمد ملی انگلستان را برای سال ۱۶۹۶ تخمین زد
- کوششهای دفتر آمار سازمان ملل متحد در ارائه مفاهیم، تعاریف و جداول صحیح حسابهای ملی
- تشکیل حسابهای ملی سازمان ملل که نخستین آنها در سال ۱۹۵۳ منتشر شد و سپس در سال ۱۹۶۸ مورد تجدید نظر قرار گرفت.

تاریخچه حسابداری ملی در ایران

- تاریخچه محاسبات ملی در ایران به تخمین درآمد ملی در سال ۱۲۶۹ ش توسط ماثور جرالد تالبوت مشاور مالی نخست وزیر انگلیس باز می گردد
- طبق محاسبات او درآمد ملی ایران برای سال ۱۲۶۹ ش معادل ۳۶۰ میلیون تومان برآورد شد.
- از سال ۱۳۳۸ تاکنون «اداره حسابهای اقتصادی» و «اداره آمار» بانک مرکزی محاسبه و تنظیم مستمر حسابهای ملی را انجام داده اند.
- از جمله مهمترین آنها گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی است که به طور سالانه منتشر می شوند.

تاریخچه حسابداری ملی در ایران



**گزارش اقتصادی
و ترازنامه بانک مرکزی**

www.cbi.ir

طبقه بندی فعالیت‌های اقتصادی

- **سیستم حساب‌های ملی سازمان ملل متحد (SNA):** این سیستم، که اکنون در بیشتر کشورها اجرا می‌شود، متشکل از شش مجموعه حساب است. حساب‌های تولید، مصرف، انباشت سرمایه، مبادلات خارجی، ادغام شده ملی و ترازنامه
- در ایران به دلیل محدودیتها و شرایط خاص، مانند اهمیت بخش نفت تغییرات اندکی در این طبقه بندی لحاظ می‌شود. طبقه بندی فعالیت‌های اقتصادی در ایران در چهار گروه اصلی کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات انجام می‌شود.

کالای اقتصادی

منظور از کالا چیزی است که استفاده از آن برای مصرف کننده ایجاد مطلوبیت نماید (مانند نان، پارچه، اتومبیل و ...) و اگر در تولید یا سرمایه گذاری بکار رفت ایجاد کالا یا خدمات دیگری را مقدور نماید (مانند گندم، نخ، ورق آهن) و این کالا زمانی اقتصادی است که دارای ارزش اقتصادی باشد.

انواع کالاها براساس نوع مصرف

- **کالای مصرفی:** کالایی که مستقیماً برای رفع نیازمندیها یا خواسته های انسان مورد استفاده قرار می گیرد کالای مصرفی نامیده میشود، مانند مواد غذایی، پوشاک، استفاده از مسکن و ...
- **کالای واسطه ای:** کالایی که از آن در تولید کالاها و خدمات دیگر استفاده می شود، یعنی مستقیماً برای رفع نیاز انسان مورد استفاده قرار نمی گیرد. برای مثال ورق فولادی که در تولید اتومبیل به کار می رود یک کالای واسطه است.
- **کالای سرمایه ای:** کالایی که تولید کننده کالاهای مصرفی، واسطه ای و حتی سرمایه ای باشد، کالای سرمایه ای نامیده می شود. مانند ماشین آلات، ساختمان، راه، سد و غیره. اگر کالایی مانند اتومبیل توسط مصرف کننده (خانوار) مورد استفاده قرار گیرد، یک کالای مصرفی است. اما همین کالا هر گاه در یک کارخانه به کار رود، یک کالای سرمایه ای خواهد بود.

انواع کالاها بر حسب مدت زمان کاربرد آنها

- **کالای بی دوام (Soft goods):** کالایی با عمر مفید کمتر از یکسال است که در اثر مصرف و یا استفاده در تولید فوراً تغییر کیفیت می دهد، و یا بطور کلی از بین می رود مانند مواد غذایی، سوخت، مواد شوینده، دستمال کاغذی و امثال اینها. انواع خدمات جزء این طبقه شمرده می شوند.
- **کالای با دوام (Durable Goods):** کالایی که در مدت زمان معین – که عمر مفید آنها شمرده می شود – قابل استفاده هستند. عمر مفید مورد انتظار این کالاها بیش از یکسال بوده، که در طول این مدت از آنها به تدریج خدمات مصرفی و تولیدی به دست می آید. مانند یخچال، اتومبیل، دستگاه تراش، جرثقیل، کشتی

ارزش افزوده (Value Added)

ارزش افزوده همان ارزش ایجاد شده در هر مرحله تولید است که به عنوان تفاوت میان ارزش تولید کل یک بنگاه – یا فرایند تولید – با هزینه های مربوط به خرید و تامین مواد خام، اولیه و خدمات تعریف می شود. بنابر این، هر افزایشی به ارزش مواد خام اولیه در هر مرحله تولید، ارزش افزوده آن مرحله نامیده می شود.

روشهای محاسبه ارزش افزوده

- از تفاضل میان ارزش محصول تولید شده (ستاده) و ارزش هزینه واسطه (هزینه خرید کالاها و خدمات واسطه ای مورد استفاده در تولید یک محصول نظیر مواد خام، اولیه، حمل و نقل، بیمه و ...) بدست می آید.
- از حاصل جمع مبالغ پرداختی به عوامل تولید (کار، زمین، سرمایه) مورد استفاده در تولید یک محصول حاصل می شود.

مخارج مصرفی خانوارها

مخارج مصرفی خانوارها عبارت از ارزش خرید کالاهای جدید و خدمات در یک سال منهای خالص فروش کالاهای دست دوم و فرسوده است.

در اندازه گیری مخارج مصرفی خانوارها نکاتی به شرح ذیل مورد توجه قرار می گیرد:

- هزینه خانوار برای خدماتی مانند آشپزی، پرستاری کودک و باغبانی که به خانوار دیگر پرداخت می شود، جزء مخارج مصرفی خانوارها محسوب می گردد. در حالیکه اگر این فعالیتها توسط خود خانوار انجام شود جزء مخارج مصرفی خانوار قرار نمی گیرد.

- اگر خانوارها کالایی را تولید کنند (مانند شیر و کره) و خود از این کالاها مصرف نمایند، ارزش مقدار مصرف شده جزء مخارج مصرفی منظور می شود.

مخارج مصرفی خانوارها

- خرید بعضی از کالاهای بادوام توسط خانوارها به منظور کسب درآمد، مانند (تاکسی یا ابزار کار) جزء هزینه های مصرفی خانوار منظور نمی شود.
- هزینه های مربوط به ایجاد واحدهای مسکونی، غیرمسکونی، تعمیرات اساسی و اضافات ساختمانی جزء هزینه های مصرفی خانوار منظور نشده، بلکه در حساب تشکیل سرمایه لحاظ می گردد؛ بهمین ترتیب است مبالغ پرداختی بابت حق اشتراک آب، برق، تلفن و گاز.

مخارج مصرفی دولتی

- در نظام جدید حسابهای ملی سازمان ملل (SNA) ، بخش دولتی شامل وزارتخانه ها، ادارات دولتی، شهرداریها، موسسات غیرانتفاعی دولتی و سازمان تامین اجتماعی است.
- مجموعه مبالغی که برای خرید کالاها و خدمات مصرفی توسط این بخش هزینه شود، نشان دهنده مخارج مصرفی بخش دولتی است.

تشکیل سرمایه (سرمایه گذاری)

- از مجموع کالاهای مصرفی یا وارداتی یک کشور، آن بخش که توسط خانوار یا دولت مصرف نشده و همچنین به کشورهای دیگر صادر نمی شود، به عنوان تشکیل سرمایه معرفی می گردد. به عبارت دیگر، می توان گفت تشکیل سرمایه یا سرمایه گذاری تغییر موجودی سرمایه کشور در طول یک دوره مثلاً یک سال است.
- تشکیل سرمایه به دو جزء تفکیک می شود: تشکیل سرمایه ثابت و تغییر در موجودی انبار.

تشکیل سرمایه ثابت

- تشکیل سرمایه ثابت عبارت از سرمایه گذاری در کالاهایی است که برای تولید کالاها و خدمات دیگر به کار می روند. تشکیل سرمایه ثابت، خود به دو جزء سرمایه گذاری در ساختمان (سازه) و ماشین آلات و لوازم کسب و کار تفکیک می شود.

تغییر در موجودی انبار

- تغییر در موجودی انبار عبارت از موجودی انبار انتهای دوره منهای موجودی انبار ابتدای دوره است. که شامل کالاهای ساخته شده، نیمه ساخته و مواد اولیه می شود. چون افزایش - یا کاهش - یک مقدار به موجودی انبار به مفهوم عدم مصرف آن توسط بخش خصوصی یا دولتی است، در این صورت به آن نیز تشکیل سرمایه می گویند.

مصرف سرمایه ثابت (استهلاك)

- استفاده از داراییهای ثابت برای تولید کالاها و خدمات، با فرسودگی این داراییها همراه است که آن را مصرف سرمایه ثابت یا استهلاك می نامند.

روش محاسبه استهلاک

- روش محاسبه استهلاک در حسابداری ملی، برخلاف حسابداری تجاری، توجه به هزینه جانشینی است. یعنی مصرف سرمایه ثابت برابر هزینه جایگزینی آن مقدار از کالای سرمایه ای کشور است که در طول یکسال در فرایند تولید مصرف شده اند. حال آن که در حسابداری تجاری، محاسبه استهلاک بر مبنای روش خطی یا مستقیم بوده و استهلاک سالانه از نسبت ارزش اولیه سرمایه بر تعداد سالهای عمر مفید آن به دست می آید.

خالص و ناخالص

- در حسابداری ملی معمولاً منظور از ناخالص، ارقامی است که شامل **استهلاک** می شوند؛ در مقابل، ارقامی که هزینه استهلاک از آنها کسر شده باشد، خالص نامیده می شود. به عنوان مثال، انباشت سرمایه ثابت ناخالص یعنی سرمایه گذاری ثابت، که شامل استهلاک نیز می گردد. اما سرمایه گذاری ثابت خالص معادل سرمایه گذاری ثابت ناخالص منهای استهلاک است.

ارزش سیف و ارزش فوب

- ارزش سیف، عمدتاً در زمینه واردات کالایی کاربرد دارد. ارزش سیف یک کالا، برابر **ارزش بازاری** آن کالا در **گمرک کشور وارد کننده** است. این قیمت، کلیه هزینه ها تا گمرک کشور وارد کننده از قبیل هزینه خرید کالا، هزینه حمل و نقل کالای مربوطه تا گمرک ورودی و نیز هزینه بیمه را شامل میشود، بنابراین این ارزش سیف، قیمت کالای تحویلی در گمرک کشور وارد کننده است؛ یعنی هزینه های مذکور بر عهده فروشنده قرار می گیرد.
- ارزش فوب یک کالا معادل ارزش آن کالا در **گمرک کشور صادر کننده** است. بنابراین این کلیه هزینه های انتقال کالا از مبدا (گمرک کشور صادر کننده) به مقصد (گمرک کشور وارد کننده) بر عهده خریدار خواهد بود.

صادرات و واردات

- صادرات و واردات کالا و خدمات به کلیه مبادلات کالاها و خدمات تجاری اشخاص حقیقی و حقوقی مقیم یک کشور با دنیای خارج اطلاق می شود.
- صادرات شامل کالاهائست که کلاً در کشور ساخته شده و یا با استفاده از کالاهای وارداتی مونتاژ شده باشد. همچنین **صادرات مجدد کالاها** - یعنی صدور مجدد کالاهای وارداتی که بدون هیچگونه تغییر شکلی از قبیل تمیز کردن، مرتب کردن، بسته بندی کردن و برچسب زدن انجام شده باشد - در صادرات کالایی منظور می شود. واردات کالایی نیز مجموع کالاهایی را شامل می شود که به منظور مصرف یا صدور مجدد به کشور وارد شده باشد.

قیمت جاری و قیمت ثابت

- ارزش گذاری متغیرهای اقتصادی بر مبنای قیمت متداول روز، ارزش گذاری به قیمت جاری یا قیمت اسمی نامیده شده و ارزش گذاری براساس قیمت یک دوره یا سال مشخص (دوره یا سال پایه)، ارزش گذاری به قیمت ثابت آن دوره یا سال نامیده می شود.

- فرض کنید که قیمت یک کیلو برنج در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۶ به ترتیب معادل ۲ و ۶ هزار ریال باشد. در این صورت ارزش ۱۰ هزار کیلو برنج تولید شده در سال ۱۳۷۶ به قیمت جاری و به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ به ترتیب زیر است:

$$\begin{aligned} \text{مقدار تولید برنج در سال ۷۶} \times \text{قیمت برنج در سال ۷۶} &= \text{تولید برنج به قیمت جاری (اسمی) در سال ۷۶} \\ &= ۶۰۰۰ \times ۱۰/۰۰۰ = ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{مقدار تولید برنج در سال ۷۶} \times \text{قیمت برنج در سال 69} &= \text{تولید برنج به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ در سال ۷۶} \\ &= ۲/۰۰۰ \times ۱۰/۰۰۰ = ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ \end{aligned}$$

Table 2 Real and Nominal GDP

Prices and Quantities

Year	Price of Hot Dogs	Quantity of Hot Dogs	Price of Hamburgers	Quantity of Hamburgers
2001	\$1	100	\$2	50
2002	2	150	3	100
2003	3	200	4	150

Table 2 Real and Nominal GDP

Year	Calculating Nominal GDP
2001	$(\$1 \text{ per hot dog} \times 100 \text{ hot dogs}) + (\$2 \text{ per hamburger} \times 50 \text{ hamburgers}) = \200
2002	$(\$2 \text{ per hot dog} \times 150 \text{ hot dogs}) + (\$3 \text{ per hamburger} \times 100 \text{ hamburgers}) = \600
2003	$(\$3 \text{ per hot dog} \times 200 \text{ hot dogs}) + (\$4 \text{ per hamburger} \times 150 \text{ hamburgers}) = \$1,200$

Table 2 Real and Nominal GDP

Year	Calculating Real GDP (base year 2001)
2001	$(\$1 \text{ per hot dog} \times 100 \text{ hot dogs}) + (\$2 \text{ per hamburger} \times 50 \text{ hamburgers}) = \200
2002	$(\$1 \text{ per hot dog} \times 150 \text{ hot dogs}) + (\$2 \text{ per hamburger} \times 100 \text{ hamburgers}) = \350
2003	$(\$1 \text{ per hot dog} \times 200 \text{ hot dogs}) + (\$2 \text{ per hamburger} \times 150 \text{ hamburgers}) = \500

قیمت بازار و قیمت عوامل

- قیمت کالا در محل تولید بدون احتساب **عوارض و مالیات** بر کالا، قیمت عوامل نامیده شده در حالیکه قیمت پرداختی توسط مصرف کننده که شامل مالیات بر کالا نیز می باشد، معرف قیمت بازار است. تفاوت این دو نوع قیمت در پولی است که مصرف کننده کالا یا خدمت به عنوان مالیات (غیرمستقیم) پرداخت می کند.

خالص مالیاتهای غیرمستقیم + قیمت عوامل = قیمت بازار

خالص مالیاتهای غیرمستقیم - قیمت بازار = قیمت عوامل

پرداختهای انتقالی

- پرداختهای بلاعوض و دیگر انواع پرداخت به افراد حقیقی و حقوقی، بدون آن که در مقابل، هیچ خدمت مولدی صورت گرفته باشد، پرداختهای انتقالی نامیده می شود. مانند مزایای ایام بیکاری، بیمه بیکاری، حمایتهای مالی، سهم دولت در بیمه بازنشستگی، بیمه درمانی، حمایتهای مالی

حوزه داخلی و حوزه ملی

- کلیه افراد و موسساتی که در **درون مرزهای یک کشور** زندگی می کنند یا به فعالیت اشتغال دارند، **حوزه داخلی** اقتصاد را تشکیل می دهند.
- **حوزه ملی** شامل کلیه افراد و موسساتی است که **تبعه یک کشور** باشند؛ خواه در داخل کشور یا در خارج از کشور زندگی کنند.

خالص درآمد عوامل تولید از خارج

- اگر پرداخت در داخل به عوامل غیرمقیم را از دریافت عوامل مقیم از خارج کسر کنیم خالص دریافتی عوامل از خارج به دست می آید.
- اگر خالص دریافت عوامل تولید از خارج منفی باشد، بدین مفهوم است که دریافت عوامل ملی (مقیم) از خارج کمتر از پرداخت به عوامل خارجی (غیر مقیم) شاغل در داخل است. اغلب کشورهای در حال توسعه چنین وضعیتی دارند.

تولید ناخالص داخلی

- ارزش پولی مجموع کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل یک کشور در طول یک دوره معین زمانی که معمولاً یک سال است، توجه به چند نکته به شرح ذیل حائز اهمیت است:
- محاسبه تولید ناخالص داخلی، **کالاهای واسطه ای** را شامل نمی شود و تنها کلیه کالاهای مصرفی و سرمایه ای که مصارف نهایی دارند در محاسبه آن وارد می شوند.
- تولید ناخالص داخلی تنها محدود به مجموع کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور است. خواه توسط عوامل تولید مقیم و یا بوسیله عوامل غیرمستقیم ساکن در داخل کشور تولید شده باشند.
- در محاسبه تولید ناخالص داخلی تنها **کالاها و خدمات مجاز** در نظر گرفته می شوند.
- کلمه ناخالص در تولید ناخالص داخلی بدین معنی است که هزینه های جایگزینی (استهلاک) کالاهای سرمایه ای در محاسبه وارد شده اند.

تولید ناخالص ملی

- مجموع ارزش ریالی کالاها و خدمات نهایی تولید شده به وسیله عوامل تولید مقیم یک کشور، خواه در داخل کشور یا در کشورهای دیگر تولید شده باشد تولید یا محصول ناخالص ملی (GNP) نامیده می شود.

$$\text{GNP} = \text{GDP} + F_y$$

GNP تولید ناخالص ملی

GDP تولید ناخالص داخلی

F_y نشانه خالص دریافتی عوامل تولید از خارج است.

تولید خالص ملی

$$\text{NNP} = \text{GNP} - D$$

تولید ناخالص ملی

- **تولید ناخالص ملی به قیمت بازار:** تولید ناخالص ملی با توجه به ارزش گذاری کلیه کالاها و خدمات با قیمت‌های بازار تولید ناخالص ملی به قیمت بازار نامیده می‌شود.
- **تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل:** تفاوت بین قیمت بازار و قیمت عوامل در خالص مالیات‌های غیرمستقیم است. بنابر این، تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل عبارت از تولید ناخالص ملی به قیمت بازار منهای خالص مالیات‌های غیرمستقیم است.

$$GNP_F = GNP_M - T_i$$

درآمد ملی (National Income)

- مجموع درآمد ایجاد شده – نه لزوماً دریافت شده – توسط عوامل تولید ملی (مقیم) در طول یکسال، درآمد خالص ملی، یا به اختصار درآمد ملی نامیده میشود.
- به عبارت دیگر درآمد ملی از حاصل جمع درآمدهای مربوط به عامل کار و درآمدهای حاصل از مالکیت عواملی که در تولید کالاها و خدمات مشارکت داشته اند، به دست می آید. درآمد ملی اصطلاحاً تولید خالص ملی به قیمت عوامل نیز نامیده میشود.

درآمد شخصی (Personal Income)

= درآمد شخصی

- درآمد ملی

(درآمد دولت از مالکیت و کارفرمایی + سود توزیع نشده شرکتها + مالیات بر سود شرکتها)

+ پرداختهای انتقالی

درآمد قابل تصرف شخصی (Disposable Personal Income)

مالیات، عوارض و پرداختهای اجباری شخصی – درآمد شخصی = درآمد قابل تصرف شخصی

- بدین ترتیب، درآمد قابل تصرف شخصی به درآمدی گفته میشود که هر فرد میتواند بنابر تصمیم خویش صرف هزینه های شخصی و مصرفی یا تشکیل پس انداز نماید.

درآمد سرانه (Per Capita Income)

- درآمد سرانه که به عنوان نسبت درآمد ملی بر جمعیت کشور در یک دوره معین تعریف می شود؛ نشان دهنده مقدار درآمدی است که در طول یکسال به طور متوسط در مقابل هر نفر ایجاد شده است.
- از این شاخص معمولاً برای مقایسه رفاه کشورها با یکدیگر در یکسال معین، یا مقایسه تغییرات رفاه یک کشور در طول سالهای مختلف استفاده می شود.

روشهای محاسبه تولید ملی

۱- روش تولید

۲- روش هزینه

۳- روش توزیع یا درآمد

The Circular Flow Diagram

- Five key points coordinate the circular flow of income.

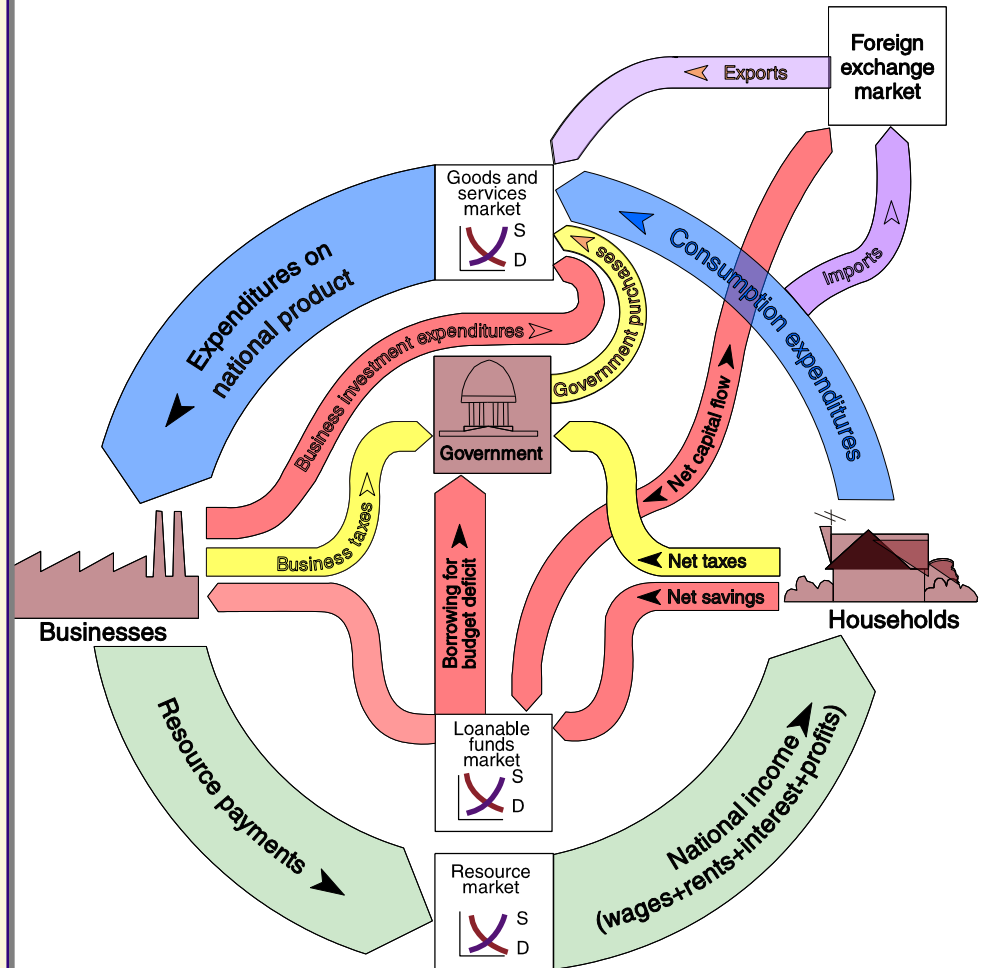
1. The **resource market** coordinates demand for factors of production between businesses and households.

2. The **goods & services market** coordinates the demand for output between businesses and households.

3. The income and expenditure of government

3. The **loanable funds market** directs household and foreign investments to business and government borrowers .

4. The **foreign exchange market** coordinates demand for currencies for export/import transactions



روش تولید

- روش تولید، درآمد ملی را از طریق محاسبه ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده یا به عبارت دیگر ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصادی اندازه گیری می نماید.
- بر این اساس، مجموعه ارزش افزوده بخشهای مختلف در یک اقتصاد به عنوان تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل محاسبه و اندازه گیری می شود. در این روش، نخست فعالیتهای اقتصادی در بخشهای گوناگون طبقه بندی شده؛ سپس ستاده یا ارزش تولید و داده یا هزینه های واسطه هر بخش محاسبه می شود. آنگاه با مانده تفاضل ارزش ستاده و داده، ارزش افزوده آن بخش محاسبه می گردد و از جمع ارزش افزوده بخشها، تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به دست می آید.

کارمزد احتسابی - $GDP_F = SV_i$

کارمزد احتسابی

کارمزد خدمات بانکها از سپرده های دیداری
که دریافت نمی شود

لحاظ شدن این مبلغ به عنوان بخشی از
ارزش افزوده بخشها

محاسبه در تولید ناخالص داخلی

بهره حاصل از سپرده های دیداری

ارزش افزوده محاسبه شده
در مؤسسات مالی و پولی

محاسبه در تولید ناخالص داخلی

احتساب مضاعف

روش هزینه

مجموع هزینه های انجام شده در یک سال، بابت خرید کالاها و خدمات، هزینه ناخالص داخلی نامیده می شود.

$$GDE = GDP = C + I + G + (X-M)$$

THE COMPONENTS OF GDP

- GDP (Y) is the sum of the following:
 - Consumption (C)
 - Investment (I)
 - Government Purchases (G)
 - Export (X)
 - Import (M)

$$Y = C + I + G + (X - M)$$

THE COMPONENTS OF GDP

- *Consumption (C)*:
 - The spending by households on goods and services, with the exception of purchases of new housing.
- *Investment (I)*:
 - The spending on capital equipment, inventories, and structures, including new housing.

THE COMPONENTS OF GDP

- *Government Purchases (G)*:
 - The spending on goods and services by local, state, and federal governments.
 - Does *not* include transfer payments because they are not made in exchange for currently produced goods or services.
- *Net Exports (NX)*:
 - Exports minus imports.

GDP and Its Components

	Total (in billions of dollars)	Per Person (in dollars)	Percent of Total
Gross domestic product, Y	\$10,082	\$35,375	100%
Consumption, C	6,987	24,516	69
Investment, I	1,586	5,565	16
Government purchases, G	1,858	6,519	18
Net exports, NX	-349	-1,225	-3

روش توزیع یا درآمد

- درآمد عوامل تولید که در فرایند تولید محصولات یک کشور ایجاد می شود، سومین روش محاسبه تولید ناخالص ملی است. بر این اساس، مجموع درآمد ایجاد شده، و نه لزوماً دریافت شده، توسط عوامل تولید – شامل مزد و حقوق، بهره، اجاره، سود و درآمد دولت بابت مالکیت و کارفرمایی – به عنوان درآمد ملی (NI) در نظر گرفته می شود.

روش توزیع یا درآمد

- مزد و حقوق: شامل کلیه پرداختها به عنوان مزد و حقوق و فوق العاده ها قبل از کسر مالیات در مقابل انجام کار
- بهره: سهم سرمایه از تولیدی که این سرمایه در آن مشارکت داشته
- اجاره: سهم خدمات اموال بادوام مانند ماشین آلات و ساختمان که در تولید يك محصول مورد استفاده قرار میگیرند
- سود: سهم کارفرما بابت خدمات و خطرات او

محدودیت‌های حسابداری ملی

- ۱- نارسائی در تعاریف و چارچوب‌های محاسباتی
- ۲- عدم توجه به فعالیت‌های غیر بازاری
- ۳- عدم توجه به اقتصاد زیرزمینی
- ۴- نارسائی‌های آماری